



Research Paper

Examining the Status of the Statute of the International Criminal Court and its Compliance with the Islamic Penal Code 92

Fardin Hemmati Mamo<sup>1</sup> , Amir Hayeri<sup>2</sup> 

1- PhD student in International Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2- Assistant Professor, Department of International Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

**Receive:**

04 February 2025

**Revise:**

03 March 2025

**Accept:**

15 March 2025

**Published online:**

20 March 2025

**Keywords:**

Timeline, international documents, criminal law, International Criminal Court.

**Abstract**

The statute of limitations is one of the important issues of criminal procedure and criminal law, which was accepted for the first time in Iran after the revolution in Articles 173 and 174 of the Criminal Procedure Code approved in 1999 and the Penal Code approved in 2013. In terms of the different stages of a criminal case, it can be divided as follows: the statute of limitations for complaint and prosecution, the statute of limitations for trial and prosecution of a crime, and the statute of limitations for execution of sentence and punishment. Article 29 of the Statute of the International Criminal Court stipulates that crimes that are within the jurisdiction of the Court shall not be subject to the statute of limitations, which include: genocide, crimes against humanity, war crimes, and crimes of aggression. The statute of limitations in the Islamic Penal Code and the Statutes of the International Criminal Court have differences and similarities that have not been mentioned in the research conducted so far, so the present issue can be of great importance.

**Please cite this article as (APA):** Hemmati Mamo,F & Hayeri,A. (2025). Examining the Status of the Statute of the International Criminal Court and its Compliance with the Islamic Penal Code 92. *Journal of Business law and economics*, (2) 3, 506-525.

**Sponsored by:** Institute of Somamos Publications

[10.22034/jble.2025.545377.1025](https://doi.org/10.22034/jble.2025.545377.1025)



**Corresponding Author:** Amir Hayeri

<https://orcid.org/0000-0003-4452-0705>



**Email:** [Amir.Haieri@iau.ac.ir](mailto:Amir.Haieri@iau.ac.ir)

This work is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).





مقاله پژوهشی

بررسی جایگاه مرور زمان در اساسنامه های دیوان بین المللی کیفری و تطبیق با قانون مجازات اسلامی ۹۲

فریدین همتی مامو<sup>۱</sup> ID، امیر حایری<sup>۲</sup> ID

۱- دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲- استادیار گروه حقوق بین الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

<p><b>چکیده</b></p> <p>مرور زمان یکی از مسائل مهم آیین دادرسی کیفری و حقوق جزا است که برای نخستین بار در ایران پس از انقلاب در مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ پذیرفته شده است که از لحاظ مراحل مختلف یک دعوی کیفری می توان آن را چنین تقسیم بندی کرد: مرور زمان شکایت و تعقیب، مرور زمان محاکمه و تعقیب جرم، مرور زمان اجرای حکم و مجازات. در ماده ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی چنین مقرر شده است جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است مشمول مرور زمان نخواهد شد که این جرایم عبارتند از: نسل کشی، جنایات ضد بشریت، جنایات جنگی، جنایات تجاوز می باشد. که مرور زمان در قانون مجازات اسلامی و اساسنامه های دیوان کیفری بین المللی وجوه تمایز و شباهت با یکدیگر دارند که تاکنون در پژوهش های انجام شده اشاره ای به آنها نشده است لذا از این جهت موضوع حاضر می تواند اهمیت فراوانی داشته باشد.</p>	<p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۴/۰۵/۲۸</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۴/۰۶/۱۲</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۴/۰۶/۲۱</p> <p><b>تاریخ انتشار آنلاین:</b> ۱۴۰۴/۰۶/۳۰</p> <p><b>کلید واژه ها:</b></p> <p>مرور زمان، اسناد بین الملل، حقوق کیفری، دیوان کیفری بین المللی.</p>
--	---

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): همتی مامو، فریدین؛ حایری، امیر. (۱۴۰۴). بررسی جایگاه مرور زمان در اساسنامه های دیوان بین المللی کیفری و تطبیق با قانون مجازات اسلامی ۹۲، *دانشنامه حقوق کسب و کار و اقتصاد*، ۳(۲)، ۵۰۶-۵۲۵.

	<a href="https://doi.org/10.22034/jble.2025.545377.1025">10.22034/jble.2025.545377.1025</a>	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی سماموس
	<a href="https://orcid.org/0000-0003-4452-0705">https://orcid.org/0000-0003-4452-0705</a>	نویسنده مسئول: امیر حایری
	<a href="https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa">https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa</a> این مقاله تحت شرایط قابل بازنشر است.	ایمیل: <a href="mailto:Amir.Haieri@iau.ac.ir">Amir.Haieri@iau.ac.ir</a>



## مقدمه

امروز زمان گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوی قابل استماع نیست و چون مقررات راجع به آن علی الاصول مخالف قواعد موجد حق است و جنبه استثنایی بر آن قواعد را دارد، در صورت شک در سعه و ضیق مقررات مرور زمان باید از این مقررات تفسیر مضیق نمود. با دقت در تعریف فوق چند نکته مقدماتی راجع به مرور زمان روشن می گردد: اولاً مقررات راجع به مرور زمان مقرراتی اصیل و طبیعی نیستند. بنابراین این مقررات اصولاً مخالف با مقررات ماهوی حقوق تلقی می گردند. به عبارت دیگر براساس حقوق طبیعی و بنیادین بشر در حالت اولیه و صرف حقوقی مقررات راجع به مرور زمان امری خلاف اصل ابتدایی لزوم احقاق حق تلقی می گردد و اگر مقنن به دلایلی مرور زمان را در جایی می پذیرد، مبانی جامعه شناختی و فلسفی خاصی باعث وضع مقرراتی دال بر پذیرش مرور زمان گشته اند. ثانیاً مرور زمان در ماهیت و بقا اصل دعوی تاثیری ندارد «زیرا ماده ۱۲۱ قانون آیین دادرسی سابق مقرر می داشت که اگر مدیونی، دینی را که مشمول مرور زمان شده است به اختیار ایفاء کند، نمی تواند به استناد مرور زمان آن را از داین پس بگیرد». چنین دیونی را دیون طبیعی می نامند. می دانیم مرور زمان هم در امور جزایی و هم در امور حقوقی مطرح گردیده است. در امور کیفری «تمام مکاتب با سقوط دعوی عمومی یا مجازات بر اثر گذشت زمان موافق نیستند». برخلاف امور حقوقی که در آن مرور زمان پس از استقرار از سوی خواننده دعوی قابل اسقاط است و محکمه باید به دعوی خصوصی رسیدگی نماید، در امور کیفری چون مرور زمان از قواعد آمره و ناظر به نظم عمومی است، از سوی ذینفع قابل اسقاط نیست. دیوان بین المللی ویژه برای یوگسلاوی سابق، رواندا، سیرالئون و لبنان که براساس قطعنامه های شورای امنیت تاسیس گردیده اند، بسیاری از اصول بنیادین حقوق بین الملل کیفری را در اساسنامه مبنای کار خود قرار داده اند. اما در خصوص مرور زمان مقرر خاصی در متن اساسنامه این دادگاه ها دیده نمی شود. این در حالیست که مساله مرور زمان یکی از مهمترین مسائل پیش روی هر محکمه در مورد امور صلاحیتی و در مواردی در امور ماهوی می باشد. اما برخلاف این اسناد اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در ماده ۲۹ به طور صریح مقرر می دارد در جرایم داخل در صلاحیت دیوان، مرور زمان سبب عدم تعقیب و مجازات متهمین این جرایم نخواهد شد. در جامعه بین المللی وجود تعهداتی که فاقد ضمانت اجراهای مناسب باشد، عادی می نماید. نظم بین المللی سبب می گردد که حمایت از وضعیت های استقرار یافته به صورت یک اصل حقوقی تجلی نماید. لذا دولت های متضرر از نقض های حقوق بین الملل نمی توانند هر زمان که خود تشخیص دهند اقدام به طرح دعوی بین المللی بر علیه دولت یا دولت های مسئول نمایند. حقوق بین الملل در راستای حفظ نظم و امنیت روابط میان تابعان اصلی خود موانعی را در جهت طرح دعاوی بر علیه دولت متخلف پیش بینی نموده است. مرور زمان یکی از این موانع محسوب می گردد. شکی نیست که اصولاً در امور حقوقی - برخلاف امور کیفری - پذیرش مرور زمان به عنوان یکی از موانع طرح دعاوی چندان خالی از انتقاد نمی باشد. به طور کلی جز در موارد خاصی که مرور زمان برطبق مقررات معاهدات بین المللی پذیرفته شده اند، این مانع در حقوق موجود امری صلاحیددی تلقی گردیده است که محاکم بین المللی در هر مورد عهده دار احراز آن می باشند. در زمان طرح یک ادعای بین المللی علیه دولت دیگر، خواهان درصدد است که شرایط و قیود طرح دعوی را اثبات نماید و همچنین بقاء مستمر اصل ادعا را قبل از اینکه مساله ماهیت دعوا مطرح شود، را نیز اثبات نماید. در مواردی که ادعایی در نزد یک



محکمه مطرح می شود، ایرادات مقدماتی ممکن است اینگونه تقسیم بندی شوند: اول) ایراد به صلاحیت که اگر موفقیت آمیز باشد، تمام مراحل دادرسی در آن قضیه را متوقف خواهد نمود زیرا این ایرادات در صلاحیت دیوان برای بیان قواعد در خصوص صلاحیت یا پذیرش آن ادعا را مخدوش می نماید

دوم) ایراد به قابلیت پذیرش بنیادین یک ادعا محکمه را برای رد ادعا در زمینه ای متمایز از ماهیت دعوی فرا می خواند. مثال این ایراد ادعای تاخیر ناروا در طرح یک ادعا می باشد. لذا با توجه به موارد بیان شده بر آنیم که به صورت جامع تر و کامل به بررسی موضوع حاضر بپردازیم. مرور زمان یکی از تأسیسات حقوقی نظام های داخلی است که در حقوق کیفری سیستم های رومی-ژرمنی نسبت به کامن لا با استقبال بیشتری روبرو شده است. مصونیت، عفو و بخشش و مرور زمان مهم ترین موانع بر سر راه پایان فرهنگ بی کیفرمانی تلقی می شوند. مصونیت عاملی بین المللی است، در حالی که عفو و بخشش و مرور زمان عوامل داخلی محسوب می شوند.

### مبحث اول: ماهیت و مبنای مرور زمان در دیوان:

#### گفتار اول: تاسیسی و ملی بودن مرور زمان در اساسنامه های دیوان :

قوانین ملی بسیاری از کشورها مرور زمان را از جمله علل سقوط دعوا و مجازات نکردن تلقی کرده است. دو نظام بزرگ حقوقی رومی - ژرمنی بیشتر گرایش به پذیرش مرور زمان دارد؛ در حالی که در سیستم کامن لا، مرور زمان صرفاً به امور مدنی اختصاص دارد و به هیچ وجه شامل جرائم بزرگ و شدید کیفری نمی شود. چنین رویکردی از طرف کشورهای کامن لا بیشتر به دلایل تاریخی و فرهنگی بوده است، زیرا فرهنگ پروتستان اساساً با مفهوم گذشت و بخشش زمینی گناهان بیگانه است. البته چنین موضوعی بیشتر درباره عفو و بخشش صدق می کند و مرور زمان را در بر نمی گیرد.<sup>۱</sup>

در خصوص جواز مرور زمان دیدگاه های متفاوتی مطرح شده که هر کدام از دلایل موافق و مخالف در جای خود قابل تأمل است. موافقان پذیرش و اعمال مرور زمان در نظام داخلی برای عامل زمان اهمیت زیادی قائل هستند. به نظر ایشان، گذشت زمان بسیاری از مسائل را تغییر می دهد و با پیگیری دوباره آن جرم که سال های زیادی از ارتکاب آن گذشته، وجدان جامعه و افکار عمومی که به کلی آن را فراموش کرده است، جریحه دار می شود. از طرف دیگر، گذشت زمان بی تردید تأثیر زیادی بر آثار جرم و همچنین شهود قضیه خواهد داشت. در مقابل، به نظر مخالفان، گذشت زمان تأثیری بر اصل قضیه و ماهیت جرم ارتکابی ندارد. پس عدالت و انصاف حکم می کند که مرتکبان جرائم به سزای عمل خود برسند و از این راه مرهمی بر زخم قربانیان و اولیا و بستگان آنها نهاده شود. مجازات مرتکبان فارغ از زمان ارتکاب آن، قطعیت اجرای مجازات ها را تقویت می کند و سبب آگاهی و اطلاع وجدان جامعه و افکار عمومی نسبت به آن جرم می شود. مقایسه دیدگاه های مختلف در خصوص مرور زمان نشانگر آن است که اصل مرور زمان در بسیاری از نظام های حقوقی پذیرفته شده است، اما پذیرش و اعمال آن در امور کیفری از دیرباز دیدگاه های بسیاری را برانگیخته است. توجه به زوایای مختلف موضوع، مبین کارکردهای عملی ناشی از وضع مرور زمان در برخی از نظام های حقوقی است. در

<sup>۱</sup>طهماسبی، جواد، ۱۳۹۱، صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جاودانه، ص ۲۰۹.



سیستم های حقوقی که مرور زمان را شناسایی کرده اند، مرور زمان، اصل و عدم و نفی آن، استثنا تلقی می شود. در نهایت مدت زمانی که بعد از گذشت آن، مرور زمان قابل اعمال است، با توجه به ماهیت و شدت جرم و مجازات متفاوت است.

پرسش اساسی این است که آیا می توان این تأسیس اصالتاً ملی را درباره جنایات بین المللی نیز اعمال کرد؟ همان طور که در بالا نیز اشاره شد، در حقوق داخلی، مرور زمان در امور کیفری انتقاد شدید بسیاری از علمای حقوق جزا همچون بکاریا را برانگیخته است، چنانکه آن را در تضاد با قطعیت اجرای مجازات می دانند.<sup>۱</sup> به نظر بکاریا «وقتی جنایت های جانگداری که خاطره آنها تا دیر زمان در اذهان مردمان باقی است به اثبات رسید. سزاوار نیست با فرار بزهکار و گریز از کیفر مشمول مرور زمان شود». با توجه به اختلافات نظری درباره مرور زمان، آیا بکارگیری چنین تأسیسی در حقوق بین الملل مناسب است؟ برای پاسخگویی به این پرسش ذکر چند نکته لازم است: نخست، به طور سنتی، به کارگیری تأسیسات حقوقی نظام داخلی در نظام بین المللی با اختلافات زیادی همراه بوده است. این اختلاف از مناسبات حقوق بین الملل و حقوق داخلی ناشی می شود که منشأ آن را باید در دو نظریه معروف دوگانگی و یگانگی حقوقی جستجو کرد که ما به هیچ وجه در پی طرح مناسبات این دو نظام نیستیم. دوم اینکه با وجود تصریحی که در اسناد بین المللی مربوط به نفی مرور زمان وجود دارد، باید افزود که بکارگیری و اعمال مرور زمان در خصوص این جنایات معقول و منطقی به نظر نمی رسد. به همین دلیل نیز حقوق بین الملل کیفری مانند نظام های کیفری ملی عمل نکرده است تا جنایتکاران بین المللی بتوانند به راحتی از ابر رحمت مرور زمان بهره مند گردند و باران براءت آثار و تبعات تبهکاری را از سیمای ایشان بشوید. ناگفته علت چنین رویکردی از سوی جامعه بین المللی پیداست، زیرا اعمال مرور زمان بر خلاف مقتضای ذات قواعد بین المللی است. جنایات شدید بین المللی سبب جریحه دار شدن افکار عمومی جهان شده، به این ترتیب باید به صورت مناسب و مؤثر سرکوب گردند. یکی از جلوه های مبارزه با این جنایات، صلاحیت جهانی است. از طریق این صلاحیت، حقوق بین الملل کیفری به طور سنتی در صدد به خدمت گرفتن مراجع ملی برای به اجرا گذاشتن هنجارهای سرکوبگرانه معاهده ای است.

البته قوانین برخی کشورها همچون فرانسه مرور زمان را در خصوص بعضی از جنایات بین المللی پذیرفته است. به موجب مواد ۲۱۱ تا ۲۱۳ قانون جزای فرانسه، جنایات علیه بشریت و نسل زدایی مشمول مرور زمان نمی شوند؛ بر عکس ممنوعیت مندرج در مواد فوق به جنایات جنگی تسری پیدا نمی کند. مدت زمان ۳۰ سال برای مرور زمان جنایات جنگی تعیین شده است که بعد از پایان این مدت، امکان محاکمه و مجازات متهم وجود ندارد.<sup>۲</sup>

از دیرباز مصونیت حمایت شده از سوی حقوق بین الملل سنتی، بزرگترین سپر بلا در مقابل تعقیب و محاکمه سران و مقامات عالی رتبه بوده است. در کنار مانع بین المللی مصونیت، عفو و بخشش و مرور زمان جملگی از موانع مهم بی کیفرمانی تلفی می شوند. به سبب وجود نزدیکی میان عفو و بخشش و مرور زمان، تنها به تجزیه و تحلیل این تأسیسات حقوقی می پردازیم و از طرح موضوع مصونیت به عنوان مانع بین المللی خودداری می کنیم.

<sup>۱</sup> طهماسبی، پیشین، ص ۲۱۲.

<sup>۲</sup> -سحابی، مهین، ۱۳۹۷، مرور زمان مانعی در راه امحای کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ص ۴۵



گفتار دوم: مقایسه‌ی مرور زمان با دیگر تاسیسات حقوقی قانون در سطح بین‌المللی و قانون مجازات اسلامی : سه تأسیس حقوقی مصونیت، عفو و بخشش و نیز مرور زمان می‌توانند مبارزه با بی‌کیفرمانی را به چالش بکشند و تأسیس اول اصالتاً بین‌المللی است که با توجه به توسعه و ارتقای حقوق بشر در جهان و ایجاد مراجع کیفری مختلف در سطح بین‌الملل به شدت متحول گردید. بر عکس مصونیت، دو تأسیس حقوقی عفو و بخشش و مرور زمان، تأسیس‌هایی اصالتاً ملی محسوب می‌شوند.

نکات افتراق و اشتراک زیادی میان مرور زمان و دیگر تاسیسات داخلی یعنی عفو و بخشش وجود دارد. مهم‌ترین نقطه اشتراک آنها تعلق به قانون یا قاعده فراموشی است. به طور کلی تاسیسات حقوقی عفو و مرور زمان در چارچوب «حق بر فراموشی» تجزیه و تحلیل شده‌اند. چنین حقی دارای دو جنبه مهم است: نخست حقی که برای مجرم متصور است و دوم حقی که برای جامعه وجود دارد. «فراموش شدن» برای مجرم و «فراموش کردن» برای جامعه، نقطه مشترک آنهاست. اما از نظر نقاط افتراق بین تاسیسات حقوقی فراموشی، یادآوری موارد زیر لازم است: اول اینکه بین عفو و بخشش تفاوت‌هایی وجود دارد؛<sup>۱</sup> عفو یا عفو عمومی (Amnistie) با وضع قانون به عمل می‌آید، در حالی که بخشش یا عفو خصوصی (Grace) از سوی رئیس دولت یا هر مقام دیگری که قانون اساسی تعیین کرده باشد، اعطا می‌شود. «عفو عمومی به طور نوعی و کلی به موجب قانون خاص و در موردی است که عده زیادی در مقاصد معینی شرکت کرده باشند. این عفو ممکن است حتی قبل از دادرسی اعلان شود و معافیت از مجازات در این عفو به طور قطعی (نه مشروط) است و تمام آثار جرم را از بین می‌برد یعنی عنوان کیفری عمل را سلب می‌کند و متهم پس از صدور فرمان عفو عمومی حق تعقیب دعوا را برای اثبات بی‌تقصیری خود ندارد. در صورت اجرا شدن قسمتی از حکم کیفری، عفو عمومی موجب تعطیل اجرای باقی محکومیت می‌شود». بخشش یا عفو خصوصی به موجب قانون است. اما الزاماً با وضع یک قانون خاص همانند عفو عمومی همراه نیست. «اجرا نکردن همه یا برخی از کیفر به دستور پادشاه یا رئیس دولت به منظور تعدیل احکام شدید کیفری و یا تشویق محکومان که در دوره اجرای کیفر، سلوک خوب داشته‌اند و مختص موردی است که حکم قطعی محکومیت صادر شده باشد و در قوانین عادی پیش‌بینی می‌شود و تمام آثار محکومیت را از بین نمی‌برد و سابقه برای تحقق تکرار جرم می‌باشد». دوم اینکه عفو و بخشش اقدام مصلحت‌اندیشانه سیاسی است که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص اعطا می‌شود. در مقابل، مرور زمان بر خلاف عفو اقدامی مصلحت‌اندیشانه سیاسی نیست، بلکه این تأسیس ویژگی کلی، مجرد و خودکاری را داراست. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو در خصوص درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی چنین آورده است: «مقاماتی که در پایان مخاصمات، قدرت را در اختیار می‌گیرند، باید تلاش کنند افرادی را که در درگیری‌های مسلحانه شرکت داشتند و یا در خلال آنها اسیر یا بازداشت شده‌اند، عفو نمایند». در این بند تنها از واژه عفو عمومی (Amnistie) استفاده شده است، اما در تفسیرهایی که از این پروتکل به عمل آمده، این موضوع را به عفو خصوصی هم تسری داده‌اند. در گذشته موضوع عفو صرفاً امری داخلی تلقی می‌شد. اما با تغییر ماهیت و نوع درگیری‌های مسلحانه از بین‌المللی به غیر بین‌المللی و ارتکاب جنایات شدید بین‌المللی در کشاکش این درگیری‌ها، عفو به شدت در مرکز توجه قرار گرفت. اگرچه به طور کلی

<sup>۱</sup> سحابی، پیشین، ص ۴۸.



به موضوع بند ۵ این ماده باید در راستای تشویق، و یک ژست آشتی جویانه و مصلحت اندیشانه نگریسته شود، ولی با گذشت نزدیک به ۴۰ سال از تصویب پروتکل یاد شده، تحولات اخیر جامعه بین المللی گویای پذیرش نشدن عفو در حقوق بین الملل است.<sup>۱</sup>

پس از مرور زمان، حکایت از گذشت زمان و تأثیر آن بر دعوای کیفری دارد؛ در حالی که عفو یک فعل ارادی است که از طرف نهادهای حکومتی برای موقوف ماندن تعقیب یا بخشیدن تمام یا قسمتی از مجازات اعمال می گردد. بعد از بررسی اجمالی موضوع مرور زمان، به رویکرد حقوق بین الملل کیفری نسبت به شناسایی آن خواهیم پرداخت.

### مبحث دوم: تحلیل چالش های مرور زمان در دیوان بین المللی کیفری:

شکل گیری حقوق بین الملل کیفری از دیرباز با چالش های گوناگونی روبرو بوده و بیش از اینکه یک واقعیت باشد، مدینه فاضله بوده است. امروزه این رشته به عنوان شاخه جدیدی از حقوق بین الملل عمومی شناخته می شود. در خصوص مرور زمان می توان دو دوره سکوت و دوره شناسایی نفی مرور زمان را قائل شد که در ادامه به تجزیه و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

#### گفتار اول: مرور زمان در معاهده صلح ورسای و اسناد پس از جنگ جهانی اول و قانون مجازات اسلامی:

دوره سکوت قواعد و مقررات بین المللی در خصوص نفی مرور زمان به جنگ جهانی اول و بعد از جنگ جهانی دوم و تأسیس دادگاه های نظامی بین المللی نورمبرگ و توکیو مربوط می شود. معاهده صلح ورسای ۱۹۱۹ م که پایان بخش جنگ جهانی اول به شمار می آید، هیچگونه تصریحی نسبت به نفی مرور زمان ندارد و در این خصوص ساکت است. اسنادی که بعد از جنگ جهانی اول تدوین گردید نیز همین رویه را دنبال کرد و اغلب سکوت بر پذیرش و یا نپذیرفتن اصل مرور زمان ترجیح یافت. بنابراین، نه اعلامیه ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ مسکو و نه منشور ۸ اوت ۱۹۴۵ لندن و نه اساسنامه دادگاه نظامی بین المللی توکیو مصوب ۱۹۴۶ م هیچ کدام به طور مشخص موضوع مرور زمان و نفی آن را لحاظ نکرده اند. شاید یکی از دلایل سکوت این اسناد در باب مرور زمان به این علت بوده است که متفقین، اکثر متهمان جنایات ارتكابی در جنگ دوم جهانی را در اختیار داشته و به همین دلیل ضرورتی برای درج نفی مرور زمان احساس نکرده اند.<sup>۲</sup>

مهم ترین سند درباره مرور زمان در جنگ جهانی دوم همان قانون شماره ۱۰ شورای کنترل آلمان مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵ است. بر طبق بند ۵ ماده ۲ این قانون: «در هیچ محاکمه یا تعقیبی برای جنایات مذکور، متهم حق استناد و برخورداری از مرور زمان از ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳ تا ۱ ژوئیه ۱۹۴۵ را نخواهد داشت. همچنین مصونیت، بخشش یا عفو اعطا شده در زمان رژیم نازی مانعی برای محاکمه و مجازات نخواهد بود». البته گفتنی است که در خصوص دامنه شمول این بند مباحث زیادی مطرح شده است، اما در زمینه دو موضوع کم ترین تردید وجود دارد: اول اینکه نفی مرور زمان شامل جنایات علیه بشریت می گردد و دوم، این ماده در راستای به کار گیری روش تعلیق مرور زمان است. اساسنامه دادگاه

<sup>۱</sup> رضوی فرد، بهزاد، ۱۳۹۰، حقوق بین المللی کیفری، تهران: انتشارات میزان، ص ۱۴۳.

<sup>۲</sup> بهزادی فر، پیشین، ص ۱۴۴.



نظامی بین المللی نورمبرگ در ماده ۶ خود و همچنین قانون شماره ۱۰ شورای کنترل آلمان به صورت یکسان موضوع جنایاتی چون جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و علیه بشریت را شناسایی کرده است. همانطور که پیش از این گفته شد، اساسنامه این دادگاه هیچگونه صراحتی در خصوص موضوع مرور زمان ندارد، اما بند ۵ ماده ۲ قانون شماره ۱۰ بدون اینکه به طور مستقیم این جنایات را لحاظ کند، به مرور زمان اشاره می کند.<sup>۱</sup> افرادی همچون هرزوغ (Herzog) اعتقاد دارند که باید به مرور زمان برای مدت زمان دیکتاتوری هیتلری تعلیق گردد. علت چنین تعلیقی به سبب نبود امکان تعقیب قضایی است و تا زمان رفع آن مانع، تعلیق تداوم پیدا می کند. با وجود برگزاری محاکمات مرتکبان جنایات جنگ جهانی دوم، همچنان برخی از متهمان این جنایات گریخته و محاکمات مرتکبان جنایات جنگ جهانی دوم، همچنان برخی از متهمان این جنایات گریخته و یا به کشورهای دیگر پناهنده شده بودند. لذا این بیم وجود داشت که این افراد بتوانند از عدم نفی مرور زمان در قوانین ملی آن کشورها استفاده کنند. به همین دلیل حرکت نسبتاً گسترده ای در خصوص تدوین یا اصلاح مقررات ملی در خصوص مرور زمان در سال های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ م در کشورهای اروپایی صورت گرفته است. علت اصلی چنین حرکتی را باید در این موضوع جستجو کرد که از پایان جنگ جهانی دوم تا تدوین این مقررات حدود ۲۰ سال می گذشت؛ یعنی مدتی که با سپری شدن آن بر طبق قوانین داخلی اکثر این کشورها، می توانست موضوع را مشمول مرور زمان قرار دهد. لذا مهر سکوت مرور زمان نخست با افزایش مدت مرور زمان از ۲۰ سال به ۳۰ سال و یا با نفی کامل مرور زمان در قوانین و مقررات برخی از کشورها شکسته شد. این وضعیت به صورت جدی تر با شناسایی نفی مرور زمان در اسناد بین المللی دنبال گردید.<sup>۲</sup>

### گفتار دوم: نفی مرور زمان در کنوانسیون ۱۹۴۸ و مقایسه آن با قانون مجازات

در سطح بین المللی و منطقه ای، دو سند مهم در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، یک ماده تدوین گردیده که در آنها نفی مرور زمان به روشنی شناسایی شده است :

۱. کنوانسیون مربوط به نفی مرور زمان جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت مصوب ۲۶ نوامبر ۱۹۴۸

کنوانسیون ۱۹۴۸ در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۰ لازم الاجرا گردید و تا سال ۲۰۱۳ م تعداد ۵۴ کشور به آن ملحق شدند. گفتنی است دولت ایران نیز تا کنون به این سند ملحق نشده است. ماده یک این کنوانسیون چنین می گوید : «جنایات ذیل صرف نظر از تاریخ ارتکاب آنها مشمول مرور زمان نمی شوند : الف) جنایات جنگی [...]؛ ب) جنایات علیه بشریت [...]؛ و همچنین جنایت نسل زدایی [...]، حتی اگر این اقدامات نقض حقوق داخلی کشوری که این اقدامات در آنجا ارتکاب یافته است، نباشد».

کنوانسیون ۱۹۴۸ به طور صریح در این ماده به سه جنایت بزرگ بین المللی؛ یعنی نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی اشاره می کند و در عین حال اسناد مهم بین المللی را که این جنایات به نحوی در آنها شناسایی شده اند، برمی شمارد. تدوین چنین کنوانسیونی در چارچوب دلایل زیر بوده است :

<sup>۱</sup> سحابی، پیشین، ص ۵۶.

<sup>۲</sup> -شفاهی، محسن، ۱۳۸۵، مرور زمان در حقوق بین الملل، تهران، انتشارات نقش جهان، ص ۷۷.



الف) جنایات مشمول این کنوانسیون از جمله جنایات شدید حقوق بین الملل محسوب می شود. همانطور که از نام این کنوانسیون بر می آید، نفی مرور زمان را به صورت مستقیم در خصوص جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت به کار برده است. اما جنایت نسل زدایی در قسمت اخیر ماده اول کنوانسیون ۱۹۴۸ لحاظ شده و شمول مرور زمان به آن تسری پیدا نکرده است.<sup>۱</sup> گفتنی است که به طور سنتی معمولاً نسل زدایی را نوعی جنایت علیه بشریت نیز تلقی کرده اند. با توجه به پیش بینی تعریف نسبتاً محدود از جنایت علیه بشریت در اساسنامه دادگاه نظامی بین المللی نورمبرگ، ایده توصیف نسل زدایی به عنوان شکلی از جنایت علیه بشریت در سال ۱۹۴۴ در زمان تدوین کنوانسیون نسل زدایی کنار گذاشته شد. اساسنامه دادگاه نظامی بین المللی اولین سند بین المللی است که جنایات علیه بشریت را شناسایی کرده و بر ضرورت ارتباط جنایات علیه بشریت و پدیده درگیری مسلحانه تأکید داشته است.

لذا کنوانسیون ۱۹۴۸ درباره سه جنایت نسل زدایی، جنایت جنگی و جنایات علیه بشریت اعمال می گردد. به سبب اهمیت این جنایات، کنوانسیون یاد شده هیچ گونه محدودیت زمانی را در خصوص این جنایات در نظر نگرفته است و به همین دلیل است که در صدر ماده ۱ کنوانسیون مقرر می دارد: «جنایات ذیل، صرف نظر از تاریخ ارتکاب آنها مشمول مرور زمان نمی شوند». نحوه تدوین صدر ماده به گونه ای است که دایره شمول اجرایی کنوانسیون را افزون بر آینده به گذشته هم تسری می دهد. به عبارت دیگر، جنایات ارتكابی قبل از تدوین این کنوانسیون را تحت شمول خود کرده، عطف به ماسبق می شود. تا کنون تنها دولت پرو در هنگام الحاق خود به این کنوانسیون در ۱۱ اوت ۲۰۰۳، با دادن اعلامیه چنین موضوعی را یادآور شده و بر عطف به ما سبق نشدن این کنوانسیون نسبت به جنایات ارتكابی قبل از لازم الاجرا شدن این سند (نسبت به آن دولت) تأکید داشته است.

ب) سرکوب چنین جنایاتی سبب تکرار نشدن آنها و تسهیل صلح و امنیت بین المللی می گردد. سرکوب و مبارزه علیه مرتکبان این جنایات عامل مهمی در پیشگیری و حمایت از حقوق بشر و آزادی های بنیادین محسوب می شود.<sup>۲</sup>

ج) پاسخی است به نگرانی افکار عمومی جهانی نسبت به مرور زمان های مندرج در مقررات ملی برخی از دولتها. تدوین این کنوانسیون موجب رفع نگرانی افکار عمومی جهانی نسبت به وجود مقررات مرور زمان در خصوص جرائم عادی گردید. در ماده ۳ کنوانسیون آمده است: «دولت هایی متعهد این کنوانسیون مطابق حقوق بین الملل متعهدند تا تمامی تدابیر داخلی قانون گذاری و غیر آن را برای استرداد اشخاص مورد نظر در ماده ۲ این کنوانسیون تصویب نمایند». به سبب اهمیت این جنایت ها باید آنها را از جرائم عادی ارتكابی در حقوق داخلی تفکیک کرد. در سطح اروپا نیز کنوانسیون برای نفی مرور زمان تدوین شد که در قسمت بعدی بررسی می شود.

۲. کنوانسیون اروپایی مربوط به نفی مرور زمان جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی مصوب ۱۹۷۴ م

کنوانسیون ۱۹۷۴ م در چارچوب اقدامات شورای اروپا در خصوص حمایت از کرامت انسانی وضع شده است. این کنوانسیون در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۳ لازم الاجرا گردید و تا سال ۲۰۱۳ تنها تعداد ۷ کشور به آن ملحق شده اند. این

<sup>۱</sup> شفاهی، پیشین، ص ۷۹.

<sup>۲</sup> - بهمن، قاجار، محمدعلی، ۱۳۹۰؛ کارکرد دیوان کیفری بین المللی، مجله مطالعات سیاسی، شماره ۲۸۵، ص ۳۲.



کنوانسیون نسبت به کنوانسیون ۱۹۶۸ م از نقاط قوت بیشتری برخوردار است. نکته قابل تأمل بین دو سند بین المللی و اروپایی در خصوص جنایات علیه بشریت است، زیرا کنوانسیون ۱۹۷۴ م در توصیف جنایات علیه بشریت به جنایات پیش بینی شده در کنوانسیون پیشگیری و سرکوب جنایت نسل زدایی ارجاع داده؛ در حالی که در کنوانسیون ۱۹۶۸ م علاوه بر کنوانسیون نسل زدایی ۱۹۴۸ م به اساسنامه دادگاه نظامی بین المللی نورمبرگ و قطعنامه های مجمع عمومی ملل متحد نیز اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

### گفتار سوم: نفی مرور زمان در کنوانسیون ۱۹۷۴ و تطبیق آن با قانون مجازات اسلامی

یکی از نقاط قوت کنوانسیون اروپایی نسبت به کنوانسیون ۱۹۶۸ م در خصوص مفتوح بودن آن است. با وجود این که کنوانسیون ۱۹۶۸ م در دیباچه خود بر تضمین اجرای جهانی نفی مرور زمان برای جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت اشاره کرده، اما در ماده ۵ کنوانسیون به صورت صریح به مفتوح بودن این کنوانسیون برای امضای هر عضو سازمان ملل متحد یا یکی از نهادهای تخصصی و غیره اشاره شده است. بیشتر کشورها در زمان امضا یا الحاق به کنوانسیون اعلامیه هایی تنظیم کردند که در بیشتر آنها به این موضوع اشاره شده است که درج ماده ۵ در کنوانسیون بر خلاف رویکرد جهان شمولی این کنوانسیون برای مبارزه و پیشگیری از اعمال مرور زمان برای جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت تلقی می گردد. در حالی که در کنوانسیون اروپایی ۱۹۷۴ م نه تنها الحاق را محدود به دولت های اروپایی نکرده، بلکه هر دولتی می تواند به این سند ملحق شود.

یکی از نکات قابل توجه این سند طرح قوانین و عرف های حقوق بین الملل مندرج در بند ۳ ماده ۱ است. بر طبق این بند «دولت متعاقد ذی نفع، تمامی جرائم مربوط به قوانین و عرف های حقوق بین الملل، آن طوری که در آینده وضع خواهند شد، را براساس اعلامیه مندرج در ماده ۶، شبیه به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت تلقی خواهد کرد. بر این اساس دولت متعاقد می تواند در هر زمانی با دادن اعلامیه ای به دبیر کل شورای اروپا، قلمرو اجرایی خود را نسبت به جرائم مربوط به قوانین و عرف های حقوق بین المللی که در آینده به وجود خواهند آمد تسری می دهد. البته گسترش اجرای این کنوانسیون نسبت به جرائم مربوط به قوانین و عرف های حقوق بین الملل وابسته به دادن اعلامیه ای است که در ماده ۶ پیش بینی شده است.<sup>۲</sup>

آخرین و مهم ترین سند در باب نفی مرور زمان، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی است که در این قسمت تجزیه و تحلیل می شود.

**مبحث سوم: جایگاه مرور زمان در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری:**

**گفتار اول: مرور زمان در فصل سوم اساسنامه دیوان کیفری بین المللی:**

<sup>۱</sup> بهمن پیشین، ص ۳۶.

<sup>۲</sup> - بیگ زاده، ابراهیم؛ ۱۳۸۴، سازمان ملل متحد، محاکم کیفری بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ص ۲۳.



بر خلاف اساسنامه مراجع نسل اول (دادگاه های نظامی بین المللی نورمبرگ و توکیو) و دو مرجع نسل دوم (دادگاه های کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا)، دیوان کیفری بین المللی بسیار صریح به موضوع نفی مرور زمان توجه کرده است. در اساسنامه های محاکم کیفری قبل از شکل گیری دیوان کیفری بین المللی، موضوع مرور زمان عمدتاً به سکوت برگزار شده است.

نفی مرور زمان در فصل سوم اساسنامه دیوان کیفری بین المللی زیر عنوان اصول کلی حقوق جزا در کنار اصولی چون اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها، اصل عطف به ماسبق نشدن و مسئولیت کیفری فردی درج شده است. با در نظر گرفتن محتوای مرور زمان، درج این موضوع در کنار سایر اصول حقوق جزا خالی از اشکال نیست، زیرا از حیث شکلی به نظر می رسد این موضوع، بیشتر در قالب قواعد مربوط به قابل پذیرش بودن قابل طرح باشد. در ماده ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی چنین آمده است: «جنایات تحت صلاحیت دیوان مشمول مرور زمان نمی شوند». در زمان تدوین این ماده ایرادهایی از طرف دولت های شرکت کننده در کنفرانس ۱۹۹۸ رم مطرح گردید. عمده ترین ایراد در زمینه صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین المللی است که در دیباچه اساسنامه و ماده ۱ آن سند شناسایی شده است. این ایرد بیشتر از طرف دولت هایی مطرح می شد که مرور زمان را در قوانین خود پذیرفته بودند.<sup>۱</sup> بر این اساس، صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین المللی از یک سو و نفی مرور زمان از سوی دیگر موجب ایجاد مشکلاتی می شود. امکان توقف رسیدگی به سبب مرور زمان بر طبق مقررات داخلی وجود دارد و حال اینکه چنین تجویزی در حقوق داخلی با نفی مرور زمان در اساسنامه دیوان تحت الشعاع قرار می گیرد و رسیدگی به موضوع مطرح شده در مراجع داخلی، قابلیت طرح و تعقیب در دیوان را خواهد داشت. بنابراین، به نظر موافقان مرور زمان، در صورت درج نشدن آن در اساسنامه، این موضوع به طور مستقیم با اصل تکمیلی بودن مندرج در اساسنامه در تضاد است، زیرا با متوقف شدن رسیدگی به یک موضوع در مراجع داخلی به سبب مرور زمان، دیوان قادر خواهد بود موضوع را رسیدگی کند و چنین اقدامی از سوی دیوان با اصل تکمیلی بودن دیوان نسبت به مراجع ملی منافات دارد.

به هر ترتیب، سرانجام دولت ها به این صورت توافق کردند که جنایات تحت صلاحیت دیوان، مشمول مرور زمان قرار نگیرد. اساسنامه دیوان در مقایسه با اسناد قبلی یعنی کنوانسیون های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۴ م، صلاحیت دیوان را افزون بر جنایت نسل زدایی و جنایت علیه بشریت، به جنایات جنگی و تجاوز نظامی نیز تسری داده است.

از طرف دیگر تصویب اساسنامه مشکلاتی را برای برخی از کشورها از جمله فرانسه به وجود آورده است. شورای قانون اساسی فرانسه اعلام داشت که اساسنامه رم در تضاد با قانون اساسی و اعمال حاکمیت ملی است. اساسنامه رم، فرانسه را از اختیار تصمیم گیری در خصوص عدم تعقیب اشخاصی که ۳۰ سال پیش در قلمرو تحت حاکمیت وی مرتکب یکی از جنایات بین المللی شده اند، محروم می کند. در نتیجه فرانسه باید قانون اساسی خود را برای تطابق با تعهداتش اصلاح نماید.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> بیگ زاده، پیشین، ص ۲۷.

<sup>۲</sup> رمضانی قوام آبادی، محمدحسین، ۱۳۹۲، نفی مرور زمان در حقوق بین الملل کیفری، حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۴، ص ۲۲.



## گفتار دوم: تحلیل تطبیقی مرور زمان در ماده ۲۹ اساسنامه دیوان و قانون مجازات:

صلاحیت دیوان کیفری بین المللی بر شرایط اعمال حاکمیت ملی مؤثر است و این موضوع به دو صورت قابل تصور است: نخست، اگر پارلمان فرانسه قانون عفو رابه تصویب رساند، این دیوان می‌تواند صلاحیت خود را نسبت به اشخاصی اعمال نماید که از قوانین فرانسه در خصوص مرور زمان جرائم کیفری و جنایات بین المللی برخوردار می‌شوند. در فرانسه تنها نسل زدایی و جنایت علیه بشریت مشمول مرور زمان نمی‌شوند؛ در حالی که جنایات جنگی بعد از سی سال مشمول مرور زمان قرار می‌گیرند. به نظر شورای قانون اساسی فرانسه، ماده ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی با هیچ قاعده و اصل با ارزش اساسی در تضاد نیست، زیرا قواعد مرور زمان ماهیتی تقنینی دارند. دیوان می‌تواند فردی را که در فرانسه مشمول مرور زمان یا عفو شده است، بر اساس ماده ۱۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی از این کشور درخواست کند. البته این درخواست مشروط به این است که دولت واقعاً تمایلی به تعقیب فرد نداشته باشد و به قصد رهایی فرد از مسئولیت کیفری به عفو یا مرور زمان متوسل شده باشد.

سرانجام دولت فرانسه در ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۹ این مشکلات را مانع جدی در برابر تصویب اساسنامه رم ندانست و با تصویب یک ماده واحده، قانون اساسی خود را اصلاح نمود. بند ۲ از ماده ۵۳ قانون اساسی، افزون بر باز کردن راه برای تصویب اساسنامه رم به ایرادهای مطرح شده در شورای قانون اساسی آن کشور پاسخ داد. این ماده مقرر می‌دارد: «جمهوری فرانسه می‌تواند صلاحیت دیوان کیفری بین المللی را بر طبق شرایط پیش بینی شده توسط معاهده امضا شده ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۸ بپذیرد»<sup>۱</sup>.

### گفتار سوم: جایگاه مرور زمان در اساسنامه رم

اجرا یا نفی مرور زمان در پیشگاه مراجع کیفری در خصوص جنایات بین المللی رویکردهای متفاوتی را برانگیخته است. در قضایای باربی و توویه در فرانسه و همچنین پریبکه و هس در ایتالیا، موضوع مرور زمان مطرح شد. در حقوق فرانسه شاهد نوعی دوگانگی نسبت به جنایات علیه بشریت و پذیرش آن در قبال جنایات جنگی هستیم. اما در قضیه پریبکه و هس، محاکم ایتالیا مرور زمان را برای جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی نفی کردند.

دولت فرانسه در ادامه رویکرد خود، در زمان کنفرانس ۱۹۹۸ رم درج ماده ۱۲۴ در اساسنامه رم را مطرح کرد که پذیرفته شد. به موجب این ماده، جنایات جنگی موضوع ماده ۸ اساسنامه، برای مدت ۷ سال از لازم الاجرا شدن آن از صلاحیت دیوان مستثنا گردید. مشارکت نیروهای فرانسوی در عملیات صلح و حضور آنها در اقصا نقاط دنیا یکی دیگر از دلایلی بود که بر آن تأکید می‌شد تا از این طریق از تعقیب نیروهای خود در صورت ارتکاب جنایات جنگی حمایت نماید.

در اساسنامه دادگاه ویژه کامبوج نیز نفی مرور زمان در خصوص نسل زدایی و جنایات علیه بشریت (مواد ۵ و ۴) به رسمیت شناخته شده است. اما در خصوص نقض های شدید کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ م (۶۵) هیچ اشاره ای به نفی

قوام آبادی، پیشین، ص ۲۸. - رضانی<sup>۱</sup>



مرور زمان نمی کند. در قضیه اینگ ساری (Ieng Sary)، وکلای مدافع متهم استدلال کردند که مرور زمان مندرج در قانون جزای کامبوج مصوب ۱۹۵۶ م مانع اجرای ماده ۶ اساسنامه دادگاه کامبوج می شود. نخست قانون جزای کامبوج مرور زمان ۱۰ ساله را پیش بینی می کرد، اما با اصلاحاتی که صورت گرفت، مرور زمان از ۱۰ سال به ۳۰ سال افزایش یافت. به موجب ماده ۳ جدید اساسنامه «شعب فوق العاده نسبت به جرائم افرادی که از ۱۷ آوریل تا ۶ ژانویه ۱۹۷۹ مرتکب یکی از جنایات احصاء شده در قانون جزا ۱۹۵۶ شوند، صلاحیت دارد: قتل (مواد ۵۰۱ تا ۵۰۸)؛ شکنجه (ماده ۵۰۰)؛ آزار و اذیت مبتنی بر مذهب (مواد ۲۰۹ و ۲۱۰). مرور زمان های دعوی عمومی پیش بینی شده توسط قانون جزا ۱۹۵۶ نسبت به جنایات مذکور که تحت صلاحیت شعب فوق العاده قرار می گیرد، قابل اعمال و تا ۳۰ سال افزایش می یابد...». وکلای مدافع آقای ساری اعتقاد داشتند که ماده ۳ جدید مربوط به جرائم حقوق داخلی کامبوج است و شامل نقض های شدید کنوانسیون های ژنو نمی گردد. سرانجام با فوت وی در ۱۴ مارس ۲۰۱۳ م پرونده کیفری ایشان برای همیشه در این دادگاه بسته اعلام شد.

مسئله دیگری که محاکم کیفری در این باب به آن پرداخته اند، تعلیق مرور زمان است. اصولاً در زمانی که امکان اقامه دعوا به دلایلی وجود نداشته باشد، از شیوه تعلیق مرور زمان استفاده می شود. اصل تعلیق مرور زمان این امکان را فراهم می سازد تا براساس اوضاع و احوال موضوع، مدت زمان منقضی شده نادیده گرفته شود. به عبارت دیگر دوره زمانی ای که عملاً اقامه دعوا میسر نیست، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی شود. این شیوه در برخی از کشورها پذیرفته شده است و بعضی از کشورها هم آن را نپذیرفته اند. در برخی از کشورها همچون آلمان غربی سابق و مجارستان تعلیق مرور زمان در صورتی که مدت مرور زمان اولیه پایان یافته باشد، بر خلاف قانون اساسی تلقی شده است. در حقوق هلند، قانونگذار، مرور زمان نسبت به جرائم شدید را نسخ کرده، تصریح می نماید که این اصلاحات درخصوص جرائمی که مشمول مرور زمان شده اند، اعمال نمی گردد.<sup>۱</sup>

#### مبحث اول: تبیین اجرا یا عدم اجرای مرور زمان در محاکم دیوان بین المللی دادگستری:

##### گفتار اول: عدم اجرای مرور زمان به عنوان یک قاعده عرفی:

پرسش اساسی این است که آیا می توان نفی مرور زمان درخصوص جنایات بین المللی را به عنوان پذیرش و شناسایی قاعده عرفی دانست؟ پاسخ به این پرسش مستلزم توجه به عوامل متعددی است:

۱. میزان استقبال دولت ها نسبت به نفی مرور زمان مندرج در کنوانسیون های مربوطه و الحاق به آنها؛
۲. ماهیت جنایاتی که تحت شمول نفی مرور زمان قرار می گیرند؛
۳. اجرای مفاد نفی مرور زمان از سوی مراجع کیفری نقش مهمی در ارزیابی ماهیت حقوقی و مقام و منزلت اصل «نفی مرور زمان» خواهد داشت.

<sup>۱</sup> سیحانی، پیشین، ص ۹۶.



بر خلاف اسناد یاد شده در این تحقیق، حقوق بین الملل معمولاً بر تعقیب و مجازات مرتکبان جنایات جنگی، نسل زدایی و جنایات علیه بشریت تأکید دارد؛ بدون اینکه مستقیماً به نفی مرور زمان نسبت به این جنایات بپردازد. آنچه مسلم است این جنایات جزء شدید ترین جنایاتی باشد که تاکنون جامعه بین المللی تجربه کرده است. دادگاه کیفری بین المللی رواندا در قضیه ژان - پل آکپسو با تعبیر نسل زدایی به عنوان «جنایت جنایات» این موضوع را تصدیق کرده است. اغلب مقررات کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو که جنایات جنگی را تدوین کرده اند، جنبه عرفی و عام الشمول دارند. این کنوانسیون ها را تقریباً همه دولت های جهان امضا و تصویب کرده اند. این موضوع را دیوان بین المللی دادگستری در قضیه فعالیت های نظامی و شبه نظامی در سال ۱۹۸۶ بین نیکاراگوئه و ایالات متحده آمریکا تأیید کرد. ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۶۸ م در مقام بیان جنایاتی که مشمول مرور زمان نمی گردند، به «جنایات شدید» بر شمرده در کنوانسیون های ژنو اشاره می کند. به طور کلی کنوانسیون های ژنو ضمن تدوین عرف های از قبل موجود، از رزمندگان و افراد غیر نظامی حمایت می کند. حمایت از این افراد تنها نباید به میدان نبرد محدود شود و باید به زمان تعقیب و سرکوب جنایتکاران جنگی هم تسری پیدا کند. یکی از مصادیق بارز آن اجرای عدالت در عرصه رسیدگی های قضایی است و با نفی مرور زمان در خصوص این جنایات می توان از فرار مرتکبان از چنگال عدالت جلوگیری کرد. بی تردید استقبال دولت ها از کنوانسیون ۱۹۶۸ م همانند کنوانسیون های چهارگانه نبوده است. اما براساس ماده ۸ کنوانسیون با تودیع دهمین سند، تصویب یا الحاق این کنوانسیون لازم الاجرا می گردد که در حال حاضر تنها کشور به این سند ملحق شده اند. به هر حال از نظر قدمت نزدیک به نیم قرن از تدوین کنوانسیون ۱۹۶۸ م می گذرد، ولی واقعاً نمی توان ادعا کرد که از آن استقبال چندان زیادی شده است. تدوین اساسنامه ۱۹۹۸ رم خط بطلانی بر مرور زمان کشید و گام مؤثری در راستای شکل گیری یک قاعده عرفی در حقوق بین الملل کیفری برداشت.<sup>۱</sup>

### گفتار دوم: رویکرد های اجرا و یا عدم اجرای مرور زمان در دیوان :

با وجود بدبینی هایی که از طرف برخی حقوق دانان قبل از کنفرانس رم نسبت به ایجاد چنین مرجعی مطرح می شد، در حال حاضر بیش از ۱۲۰ کشور به اساسنامه رم ملحق شده اند و این موضوع دال بر استقبال زیاد جامعه بین المللی نسبت به تأسیس دیوان کیفری بین المللی است. تدوین مقررات متعددی در سطح بین المللی و منطقه ای در خصوص نفی مرور زمان به نظر بیانگر تکرار قاعده نفی مرور زمان درباره جنایات بین المللی است. لذا لااقل نسبت به دولت های عضو متعاهد کنوانسیون ۱۹۶۸ م و همچنین اساسنامه ۱۹۹۸ رم می توان ادعا کرد که دولت ها اراده خود را نسبت به وجود این قاعده در حقوق بین الملل کیفری اعلام کرده اند. پس چنین دولت هایی با متعاهد شدن نسبت به این اسناد، اعتقاد راسخ خود را به نفی مرور زمان در خصوص جنایات بین المللی (نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی) اعلام کرده اند.

دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه فورند ژیا اعلام کرد : «اصل ممنوعیت شکنجه تبدیل به یک قاعده آمره شده است [...]» و نفی مرور زمان را به عنوان یکی از آثار آمره بودن منع شکنجه بیان می کند.

<sup>۱</sup> - بهزادی فر، پیشین، ص ۸۲



به هر حال، نفی مرور زمان در حقوق بین الملل کیفری اصل است، اما برای تجویز مرور زمان و اعمال آن نیازمند وجود مقرراتی است که به صراحت بر چنین تجویزی صحنه بگذارد. علت آن نیز روشن است، زیرا برقراری مرور زمان برای جنایات بزرگ بین المللی از عدالت به دور است و باعث تداوم فرهنگ بی کیفرمانی می شود.

### مبحث دوم: بررسی و تحلیل مرور زمان در خصوص دعاوی ناشی از بکارگیری صلاح شیمیایی در دیوان :

هنگامی که یک جرم بین المللی ارتکاب مییابد، باوجود آنکه در وهله اول، دعاوی کیفری و تعقیب و مجازات عاملان جرایم به ذهن خطور میکند، اما مسلماً ارتکاب این جرم، تزام با ایراد ضرور و زیان به قربانیان است. درنتیجه، دعاوی حقوقی جبران خسارت قربانیان نیز تزام با دعاوی کیفری مطرح میشود. درعینحال، کاربرد سلاحهای شیمیایی از سوی یک دولت علیه دولت دیگر، مصداق نقض تعهدات بین المللی دولتها در برابر یکدیگر نیز هست. درنتیجه، دعاوی حقوقی جبران خسارت از سوی دولت زیاندریده نیز قابل طرح است. با توجه به گذشت مدت زمان مدید از حملات شیمیایی دولت عراق علیه ایران طی جنگ تحمیلی، امکان طرح دفاع مرور زمان از سوی دولت عراق و متهمان به این جنایت جنگی وجود دارد.

#### گفتار اول: مرور زمان در دعاوی کیفری ناشی از کاربرد سلاحهای شیمیایی :

با توجه به اینکه برای قربانیان جنایات جنگی، حقی تحت عنوان حق بر عدالت به رسمیت شناخته شده است،<sup>۱</sup> آنها میتوانند علیه عاملان این جنایات، دعاوی کیفری اقامه کنند تا شاهد مجازات آنها باشند. در حال حاضر، امکان اقامه این دعاوی کیفری در هیچ محکمه کیفری بین المللی وجود ندارد. درنتیجه، تنها راه باقیمانده، اقامه دعاوی کیفری نزد دادگاههای ملی کشورهاست. با توجه به ماهیت جرم کاربرد سلاحهای شیمیایی به عنوان جنایت جنگی، علاوه بر دادگاههای دولت محل ارتکاب جرم، برای محاکم ملی سایر کشورها هم امکان اعمال صلاحیت از زاویه سایر معیارهای صلاحیتی موجود مانند صلاحیت شخصی اعم از منفعل و فعال و صلاحیت جهانی وجود دارد. در صورت اقامه دعاوی کیفری از سوی قربانیان حملات شیمیایی عراق نزد دادگاههای ملی، هریک از این دادگاهها بر اساس قوانین داخلی خود، امکان استناد به مرور زمان را بررسی خواهند کرد.

در فرانسه به موجب قانون جزایی 1994 اعمال مرور زمان نسبت به تعقیب و مجازات نسل کشی و جنایات علیه بشریت منع شده است. رویه قضایی دادگاههای کیفری فرانسه در رسیدگی به دعاوی مهمی چون پرونده باریبی<sup>۲</sup> و توویبه<sup>۱</sup> مواضع قانونی فرانسه در رابطه با اعمال مرور زمان نسبت به جرایم بین المللی را تبیین کرد.

<sup>۱</sup> حق بر عدالت از نظر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، مستلزم تعهداتی برای دولتها ازجمله تعهد به تحقیق از تخلفهای ارتكابی، تعهد به تعقیب عاملان جرایم و در صورت اثبات اتهام، تعهد به مجازات آنهاست. اگرچه تصمیم به تعقیب در اختیار دولت است، باید به قربانی هم اجازه داده شود که بهعنوان مدعی خصوصی در این دعوا مشارکت کند.

<sup>۲</sup> کلوز باریبی در زمان ریاست آژانس جاسوسی گشتاپو مرتکب جرایم بینالمللی متعددی ازجمله جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت شده بود، اما تا دهها بعد از سقوط آلمان نازی محاکمه نشد. با مشخص شدن اختفای وی در فرانسه، محاکمه وی در محاکم این کشور شروع شد. باریبی در دفاع از خود استدلال کرد که تعقیب او مشمول مرور زمان شده است و دیگر نباید تعقیب شود. وکلای مدافع وی معتقد بودند که اگرچه طبق قانون عدالت نظامی فرانسه، جنایاتی مانند شورش، کمک به دشمن، خیانت و جنایات علیه بشریت، مشمول مرور زمان نمیشود، اما این قانون در سال 1964 تصویب شده است، درحالیکه جرایم ارتكابی منتسب به وی،



قانون فرانسه اعمال مرور زمان نسبت به جنایات جنگی را پذیرفته و تنها نسل کشی و جنایات علیه بشریت را از شمول مرور زمان خارج کرده است بنابراین اقامه دعوی کیفری از سوی قربانیان حملات شیمیایی در محاکم کیفری فرانسه میتواند به دلیل شمول مرور زمان رد شود.

بلژیک در سال 1993 یک قانون جامع در مورد جنایات جنگی تصویب کرد. در این قانون اعلام شد که جنایات جنگی ارتكابی در مخاصمات مسلحانه بینالمللی و غیربین المللی مشمول مرور زمان نمیشود. در سال 1999 قلمرو این قانون به جنایات علیه بشریت و نسل کشی نیز تسری یافت که یکی از دلایل توسعه قلمرو این قانون، تطابق با اساسنامه دیوان بین المللی کیفری بود. به موجب قانون جرایم بین المللی آلمان، مصوب 2002 تعقیب جرایم جدی نسل کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی متعاقب این قانون و اجرای مجازات در این اتهام ها نباید مشمول مرور زمان قرار گیرد.

پارلمان مجارستان در سال 1993 قانونی تصویب کرد که به موجب آن، دادگاه قانون اساسی این کشور اعلام کرد نقض سنگین کنوانسیونهای ژنو 1949 و تخلف از ماده 3 مشترک آنها به عنوان جنایات علیه بشریت طبق کنوانسیون 1968 مشمول مرور زمان نمیشود طبق نظر دادگاه قانون اساسی مجارستان، این جرایم که دوره مرور زمان آن سپری شده است و مشمول مرور زمان شده است هم از شمول مرور زمان خارج میشود. در واقع، دادگاه، به قانون اخیر، اثر عطف به ماسبق اعطا میکند. این نهاد در دفاع از این دیدگاه بیان میکند که مجارستان، عضو کنوانسیون در عدم شمول مرور زمان نسبت به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است و دولتها باید

1968 با تصویب قوانین داخلی، ضمانت اجرای مقررات پذیرفته شده بین المللی را فراهم آورند.

به موجب ماده ۱۷ قانون دیوان عالی کیفری عراق، مصوب 2005 جرایم مقرر در این قانون، از جمله جنایات جنگی نباید مشمول مرور زمان شود<sup>۲</sup>. موضع قانون عراق از این جهت مهم است که برای قربانیان حملات شیمیایی این کشور در دوران صدام حسین، این امکان را فراهم می آورد که در حال حاضر در محاکم داخلی این کشور علیه متهمان به این حملات، دعاوی کیفری اقامه کنند و به موجب مقرره قانونی فوق، دیگر نگرانی از بابت مرور زمان وجود ندارد. در قوانین ایران نیز مرور زمان تنها برای تعزیرات در نظر گرفته شده است. با توجه به ماهیت جنایت جنگی به نظر نمیرسد که این جرایم، زیرمجموعه عنوان تعزیرات و در نتیجه، مشمول مرور زمان باشد، گرچه تصویب قانون مجزایی در این رابطه که صراحت بر این امر داشته باشد، ضروری به نظر میرسد.

مربوط به زمان قبل از تصویب این قانون میشود و این قانون، عطف به ماسبق نمیشود. دیوان عالی فرانسه این استدلال را رد کرد و وی به اتهام ارتكاب جنایت علیه بشریت محکوم شد.

<sup>۱</sup> در زمان اشغال فرانسه توسط آلمان نازی، وی متهم به صدور دستور اعدام هفت یهودی در سال 1944 بود و محاکم فرانسه به اتهام ارتكاب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت، او را محاکمه و محکوم کردند.

<sup>2</sup> Practice Relating to Rule 160. Statutes of Limitation.



در این راستا معاهدات بین‌المللی نیز به تصویب رسیده است که مهم‌ترین آن، کنوانسیون عدم اعمال مرور زمان نسبت به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است که در سال 1968 تصویب و در 11 نوامبر 1970 لازمالاجرا شد<sup>1</sup>. ماده 1 این کنوانسیون مقرر می‌دارد که مرور زمان نسبت به جنایات زیر، صرف‌نظر از تاریخ ارتکاب آن اعمال نمی‌شود.

کنوانسیون اروپایی که شورای اروپا آن را در عدم شمول مرور زمان نسبت به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در سال 1974 تدوین کرد، از 27 ژوئن 2003 لازمالاجرا شد. کنوانسیون مقرر می‌دارد که هیچ مرور زمانی نباید نسبت به تعقیب و مجازات نقض کنوانسیون‌های نسل‌کشی 1948 و نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه مندرج در کنوانسیون‌های ژنو 1949 اعمال شود.

البته در رابطه با این دو معاهده، یکی از نکاتی که جای بحث و بررسی دارد، نحوه تعریف جنایات جنگی است. هر دوی این اسناد در تعریف جنایات جنگی، نگاه ویژه‌ای به نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو 1949 داشته‌اند. اگر قرار بر این باشد که جنایات جنگی، محدود به نقض فاحش این کنوانسیون‌ها باشد، این امکان وجود دارد که استفاده از سلاح‌های شیمیایی، تحت شمول تعریف جنایات جنگی قرار نگیرد. در پاسخ به این نگرانی باید گفت که با توجه به اسناد جدیدتر مثل ماده 8 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در تعریف جنایات جنگی به نظر می‌رسد که اشاره به نقض‌های فاحش، بیشتر از باب تأکید باشد و قصد محدود کردن این تعریف نباشد<sup>2</sup>. این نظر، مورد تأیید ماده ۱۲ کنوانسیون اروپایی فوق‌الذکر است. بر اساس ماده اخیر، قاعده عدم شمول مرور زمان، هر تخلف قابل‌قیاس دیگری از قواعد حاکم بر جنگ را که در مواد کنوانسیون‌های ژنو 1949 به آن اشاره نشده، در صورتیکه از شدت مشابهی برخوردار باشد دربرمی‌گیرد.

<sup>1</sup> Convention on the Non-Applicability of Statutory limitations to War Crimes and Crimes against Humanity, (1968). [https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg\\_no=IV-6&chapter=4&lang=en](https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=IV-6&chapter=4&lang=en).

اکنون پنجاه و پنج دولت، عضو این کنوانسیون هستند اما هیچیک از دولتهای عراق و ایران این کنوانسیون را نپذیرفته‌اند. اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است که این کنوانسیون در تعریف جنایات جنگی به اسنادی اشاره کرده که در این اسناد نیز صراحتاً به استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان مصداقی از جنایت جنگی اشاره نشده است. در کنوانسیون‌های ژنو 1949 به استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان مصداقی از نقض‌های فاحش کنوانسیون اشاره نشده است اما با توجه به معیارهای اعلامی این کنوانسیون، مانند ایراد عمدانه درد و رنج زیاد بر سلامت و جسم افراد در تعریف نقض‌های فاحش میتوان استفاده از سلاح‌های شیمیایی را مصداقی از این نقضها دانست و در نتیجه، کنوانسیون عدم اعمال مرور زمان نسبت به جنایات جنگی را نسبت به جنایت استفاده از سلاح‌های شیمیایی قابل اعمال دانست.

<sup>2</sup> - برخی معتقد به حصری بودن فهرست جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری هستند. از نظر این عده، با توجه به اینکه استفاده از سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان مصداق جنایات جنگی در ماده 8 اساسنامه دیوان نیامده است، نمیتوان کاربرد سلاح‌های شیمیایی را مصداق جنایت جنگی تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری دانست. با وجود این، چنین امری نافی عرفی بودن قاعده استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان جنایت جنگی نیست. در مقابل، برخی معتقدند که گرچه اساسنامه دیوان، صراحتاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در ماده 8 خود مصداق جنایت جنگی ندانسته است، اما میتوان با توجه به معیارهای اعلامی در این ماده، استفاده از این سلاح را مصداق جنایت جنگی دانست. به موجب این ماده، کاربرد سلاح‌هایی که باعث ایراد درد و رنج غیرضرور میشود و قابلیت تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان را ندارد، جنایت جنگی است. این ماده در عین حال، استفاده از گازهای سمی و خفه کننده یا سایر مواد مشابه را مصداق جنایت جنگی دانسته است. از نظر برخی، رابطه بین سلاح شیمیایی و سلاح سمی، عموم و خصوص مطلق است که هر سلاح شیمیایی، نوعی سلاح سمی محسوب میشود. لذا با توجه به تصریح اساسنامه به سلاح سمی، به طریق اولی صلاحیت دیوان، شامل سلاح‌های شیمیایی که اخص از سلاح‌های سمی است، می‌شود.



مهمترین دلیلی که در رد مرور زمان برای جنایات جنگی ارائه میشود این است که ممنوعیت جنایات جنگی، یک قاعده آمره است و به این دلیل مرور زمان بردار نیست.

### گفتار دوم: شمول یا عدم شمول مرور زمان در جنایات :

مرور زمان، مانعی در راه اقامه دعوی کیفری و حقوقی است. نظامهای حقوقی ملی با پیشبینی مرور زمان در قوانین داخلی خود در صدد تأمین نیازهای مختلفی بوده اند. مهمترین دلیل پیشبینی مرور زمان، جلوگیری از انباشت دعاوی در نظام قضایی و حفظ حقوق متهمان و خواندگان دعواست. با گذشت زمان، دلایلی که در راه اثبات دعاوی وجود دارد ارزش خود را از دست میدهد. در نتیجه اگر کسی مدعی نقض حقوقش است باید هرچه سریعتر در مهلت های مقرر قانونی جهت احقاق حقوق اقدام کند. با وجود این، برخی جرایم، آنقدر شنیع است که خاطره ارتکاب آن، هیچگاه از ذهن افراد جامعه پاک نمیشود. در واقع، گذشت زمان، تأثیری در التیام و فراموشی آلام قربانیان و خانوادههای آنها ندارد. تنها اجرای عدالت است که میتواند مرهمی بر زخمهای قربانیان باشد. کاربرد گسترده سلاحهای شیمیایی از سوی دولت پیشین عراق طی جنگ تحمیلی، مصداقی از این جرایم است که در حقوق بین الملل کیفری به عنوان جنایات جنگی شناخته شده است. با وجود ارتکاب این جرایم در دهه 90 قرن بیستم، هنوز عدالت در حق قربانیان این جرایم اجرا نشده است. در عین حال، گذشت زمان میتواند منجر به کمک به عاملان این جنایات جهت گریز از اجرای عدالت شود. مرور زمانی که در نظامهای حقوقی ملی پیش بینی شده است زنگ خطری برای قربانیان است که دیگر دعاوی آنها در دادگاههای داخلی استماع نمیشود.

ترس از اعمال مرور زمان نسبت به جرایم بینالمللی باعث شد که در اسناد بینالمللی به این امر توجه شود و اجرای عدالت کیفری نسبت به عاملان جرایم بین المللی را برای همیشه از شمول مرور زمان خارج کند. از نظر بانیان اسناد مذکور، جرایم بین المللی جرایم شدیدی است که نباید مشمول مرور زمان شود. در حال حاضر به طور قطع میتوان گفت که هیچ مرور زمان کیفری نسبت به ارتکاب جرایم بینالمللی اعمال نمیشود. اما خلأ اسناد بینالمللی، در رابطه با مرور زمان حقوقی دعاوی ناشی از جرایم بین المللی است. در صورت ارتکاب جرایم بین المللی، تنها راه اجرای عدالت، عدالت کیفری نیست بلکه برای قربانیان، جبران خسارت حقوق از دست رفتهشان

بسیار مهم است. یک قربانی کاربرد سلاح شیمیایی، آثار سوء سلاحهای شیمیایی را تا پایان عمر به همراه خواهد داشت. درمان آثار سوء، هیچگاه به طور قطع امکان پذیر نیست و وی باید هزینه های بالای درمانی را متحمل شود. اگر اعتقاد به ممنوعیت استفاده از چنین سلاحهایی به دلیل ایراد درد و رنج بیش از حد وجود دارد و اگر استفاده از چنین سلاحهایی مصداق جنایات جنگی است، تنها نباید اجرای عدالت کیفری نسبت به عاملان این جرایم از شمول مرور زمان خارج شود، بلکه باید اجرای عدالت به معنای عام کلمه و جبران خسارت از قربانیان نیز از شمول مرور زمان خارج شود تا ذرهای از آلام قربانیان التیام یابد.



### نتیجه گیری:

یکی از اقدامات مهم جامعه بین المللی در زمینه مبارزه با بی کیفرمانی، تلاش در جهت نفی مرور زمان برای جنایات بین المللی است. لذا مرور زمان در کنار اقداماتی همچون عفو و بخشش، دیگر نمی تواند بهانه ای برای تعقیب یا محاکمه نکردن جنایتکاران بین المللی باشد. نفی مرور زمان در حقوق بین المللی کیفری در دو سطح مختلف قابل ردیابی است: حقوق معاهده ای و حقوق عرفی. اسناد متعدد هنجاری و معاهده ای موضوع نفی مرور زمان را لحاظ کرده اند. مهم ترین کنوانسیون های بین المللی در این خصوص، کنوانسیون ۱۹۶۸ و ۱۹۷۴ م و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ۱۹۹۸ م و نیز اساسنامه اخیراً تصویب شده شعب فوف العاده سنگال برای محاکمه حسین هابره در سال ۲۰۱۳ م می باشند. کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل های الحاقی آن هیچ گونه اشاره ای به نفی مرور زمان نکرده اند. ممنوعیت های مندرج در اسناد حقوق بین الملل بشردوستانه به تدریجاً تأسیس مراجع کیفری و تدوین اسناد دیگر، جرم انگاری شد. به جز این اسناد، باید به اسناد حقوق هنجاری اشاره کرد که از طریق تدوین قطعنامه ها و نیز اصول بنیادین و دستورالعمل ها بر نفی مرور زمان تأکید دارند. به نظر می رسد که در نفی مرور زمان در حقوق معاهده ای کم ترین تردیدی وجود ندارد؛ تردید اساسی مربوط به ماهیت عرفی نفی مرور زمان است.

تلقی نفی مرور زمان به عنوان یک قاعده عرفی می تواند خلأ ناشی از عضویت نداشتن در اسناد معاهده ای را پر کند.

پیش بینی نفی مرور زمان در قوانین ملی برخی از کشورها و الحاق به برخی از کنوانسیون های بین المللی و همچنین ضرورت اصلاح قوانین اساسی برای رفع تعارض بین قانون اساسی و مقررات اساسنامه ۱۹۹۸ م، جملگی در شکل گیری قاعده عرفی در این خصوص مؤثر است. تدوین نفی مرور زمان در ماده ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و تسری آن به کلیه جنایات تحت صلاحیت دیوان، بیانگر عزم جامعه جهانی برای سرکوب جنایات بین المللی است.

نکته دیگر، ماهیت این جنایات است که ضرورت نفی مرور زمان را نسبت به آنها ایجاب می کند. به هر حال، نفی مرور زمان در حقوق بین الملل کیفری اصل، و نتیجه منطقی اعمال آن، برداشتن یکی از موانع بزرگ بی کیفرمانی در عرصه بین المللی است.



## منابع و مأخذ:

### ۱- منابع فارسی:

#### الف: کتابها:

- ۱- اخوت، محمد علی، ۱۳۹۲، تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات صابریون
- ۲- امامی، حسن، ۱۳۸۸، حقوق مدنی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات اسلامی
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۸، ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، تهران، انتشارات گنج دانش
- ۴- درودیان، حسنعلی، 1374، تقریرات حقوق مدنی 3، تهران، انتشارات سمت
- ۵- رضوی فرد، بهزاد، ۱۳۹۰، حقوق بین المللی کیفری، تهران، انتشارات میزان
- ۶- زراعت، عباس، ۱۳۹۰، آیین دادرسی کیفری ایران با تکیه بر اصول و قواعد، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانش پذیر
- ۷- ستوده تهرانی، حسین، ۱۳۷۹، حقوق تجارت، جلد ۴، تهران، انتشارات وزیری
- ۸- سحابی، مهین، ۱۳۹۷، مرور زمان مانعی در راه امحای کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان
- ۹- شریعت باقری، محمدجواد، ۱۳۹۶، حقوق کیفری بین المللی، چاپ دهم تهران، انتشارات جنگل
- ۱۰- شفاهی، محسن، ۱۳۸۵، مرور زمان در حقوق بین المللی، تهران، انتشارات نقش جهان،
- ۱۱- شمس ناتری، محمدابراهیم، ۱۳۹۲، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، جلد ۱، تهران، انتشارات میزان.
- ۱۲- شمس، عبدالله، 1386، آیین دادرسی مدنی، جلد 1، تهران، انتشارات دراک
- ۱۳- طهماسبی، جواد، ۱۳۹۱، صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جاودانه
- ۱۴- مرکز مالگیری، احمد، ۱۳۸۵، حاکمیت قانون مفاهیم، مبانی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
- ۱۵- میری، سیدرضا، 1390، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۶- نوکنده ای، عزیز، ۱۳۹۳، تفسیر قضایی آیین دادرسی مدنی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات دانش نگار
- ۱۷- واحدی، قدرت الله، ۱۳۹۳، بایسته های آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات میزان

#### ب: مقالات:

- ۱۸- بهمن، قاجار، محمدعلی، ۱۳۹۰؛ کارکرد دیوان کیفری بین المللی، مجله مطالعات سیاسی، شماره ۲۸۵
- ۱۹- بیگ زاده، ابراهیم، ۱۳۸۴، سازمان ملل متحد، محاکم کیفری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸



۲۰- توجهی، عبدالعلی، ۱۳۹۴، لزوم تفکیک مجازات های بازدارنده و تعزیری، ماهنامه، ش ۲۹

۲۱- رضانی قوام آبادی، محمدحسین، ۱۳۹۲، نفی مرور زمان در حقوق بین الملل کیفری، حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 43 ، شماره 4 ،

۲۲- گرجی ، علی اکبر ، ۱۳۸۷ ، حاکمیت قانون و محدودیت های حق دادخواهی در دیوان ، نشریه حقوق اساسی ، سال پنجم ، تابستان شماره ۹،

۲۳- محمدزاده، رضا، ۱۳۹۴، نظم عمومی در حقوق کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی

## ۲- منابع لاتین :

- 1- Brownlie ،Ian: Principles of Public International Law ،Clarendon Press.Oxford.1998.p 479
- 2- Convention on the Non-Applicability of Statutory limitations to War Crimes and Crimes against Humanity, (1968).